

## تأثیر عملیات تار عنکبوت بر روند آتی جنگ اوکراین

آینده مذاکرات برای پایان جنگ در اوکراین به عوامل متعددی از جمله سطح و شدت واکنش روسیه به عملیات تار عنکبوت، تصمیم آمریکا درباره تداوم حمایت از اوکراین و تحولات غیرمنتظره آتی بستگی خواهد داشت. پیش از وقوع عملیات تار عنکبوت، ایالات متحده تحت رهبری دونالد ترامپ با کاهش حمایت‌های اطلاعاتی و نظامی از اوکراین، تلاش داشت طرفین درگیر را به مذاکره وادارد. این راهبرد که باهدف ثبت دستاورد دیپلماتیک برای ترامپ طراحی شده بود، با چالش‌های جدی مواجه شد. روسیه با تسلط بر بخش‌هایی از خاک اوکراین، تمایلی به عقب‌نشینی از مناطق اشغالی نداشت، درحالی‌که اوکراین نیز به دلیل خسارات سنگین انسانی و مادی، شروط مسکو را غیرقابل قبول می‌دانست. این بن‌بست، دستیابی به صلح در کوتاه‌مدت را دشوار کرده بود، اما فشارهای واشنگتن، مذاکرات را به گزینش‌ای محتمل تبدیل کرده بود. کاهش کمک‌های اطلاعاتی آمریکا، که در دوره جو بایدن به اوج خود رسیده بود، بخشی از تلاش ترامپ برای ایجاد توازن در مذاکرات بود. عملیات تار عنکبوت که پنج پایگاه هوایی روسیه را با استفاده از ۱۱۷ پهپاد هدف قرار داد، این روند را مختل کرد. اگرچه حمله به برخی پایگاه‌ها ناموفق بود، نابودی حدود ۱۴ هواپیمای راهبردی، از جمله بمبافکن‌های توپولف-۲۲م، خسارتی بین ۲ تا ۷ میلیارد دلار به نیروی هوایی روسیه وارد کرد. موفقیت یا شکست مذاکرات در آینده، شدت درگیری‌ها را تعیین خواهد کرد. ناکامی گفت‌وگوها می‌تواند به تشدید حملات روسیه منجر شود، درحالی‌که تداوم مذاکرات ممکن است تنش‌ها را کاهش دهد. عملیات تار عنکبوت که به نابودی بمبافکن‌های راهبردی روسیه در پایگاه‌های نظامی این کشور انجامید، از پیچیده‌ترین عملیات‌های اطلاعاتی و نظامی جنگ اوکراین بود. این عملیات نتیجه همکاری اطلاعاتی گسترده اوکراین با کشورهای غربی، به‌ویژه اعضای ناتو بود. سازمان اطلاعات اوکراین (SBU) ابتدا ادعا کرد بیش از ۴۰ هواپیمای نابود شده‌اند، اما تصاویر ماهواره‌ای و ارزیابی کارشناسان، خسارت را به حدود ۱۴ هواپیما محدود کرد. با این حال، این عملیات که نیازمند نفوذ عمیق اطلاعاتی و برنامه‌ریزی دقیق بود، توانایی اوکراین و حامیانش را در اجرای حملات غافلگیرانه نشان داد. نابودی بمبافکن‌های توپولف که از پیشرفته‌ترین هواپیماهای راهبردی جهان با قابلیت حمل تسلیحات هسته‌ای و متعارف هستند، ضربه‌ای سنگین به پرتست‌ی نظامی روسیه وارد کرد. روسیه که پس از فروپاشی شوروی، برتری نظامی و اطلاعاتی را به‌عنوان مؤلفه ابرقدرتی حفظ کرده بود، با این عملیات در موضع ضعف قرار گرفت. این تحقیر نظامی، به‌ویژه در روابط بین‌الملل، پیامدهای عمیقی برای مسکو دارد، زیرا پرتست‌ی برای کشورهای بزرگ مانند روسیه اهمیت بسزایی دارد. واکنش روسیه ممکن است به تشدید حملات علیه اوکراین منجر شود، به‌ویژه اگر مسکو احساس کند جایگاهش در مذاکرات تضعیف شده است. دکترین دفاع ملی روسیه که تهدیدات هوایی را با بررسی استفاده از سلاح‌های هسته‌ای پاسخ می‌دهد، احتمال تشدید تنش‌ها را افزایش می‌دهد، هر چند انتظار می‌رود مسکو به حملات با سلاح‌های متعارف و هدف‌گیری زیرساخت‌های دگانه مدنی-نظامی بسنده کند. اوکراین با اجرای این عملیات که پیش از مذاکرات و با حمایت کشورهای بزرگ اروپایی انجام شد، در پی تقویت موضع خود در گفت‌وگوها بود. در تاریخ روابط بین‌الملل، کشورها اغلب پیش از مذاکرات، با دستاوردهای نظامی، قدرت چانه‌زنی خود را افزایش می‌دهند. عملیات تار عنکبوت نیز با این منطق اجرا شد، اما ریسک لاف‌رفتن اطلاعات، اوکراین را وادار کرد تا آن را در زمان تعیین‌شده انجام دهد. تاخیر در این عملیات می‌توانست به شکست برنامه منجر شود. آتش‌بس موقت برای تبادل اسرا که از پیش توافق شده بود، نشان داد این عملیات تأثیری بر روند مذاکرات نداشت، اما به اوکراین برتری نسبی موقتی در میز گفت‌وگو بخشید. نابودی بمبافکن‌های توپولف که بخش کلیدی زرادخانه راهبردی روسیه بود، دکترین امنیتی مسکو و روابطش با ناتو و ایالات متحده را تحت تأثیر قرار داد. این خسارت، اگرچه جبران‌پذیر است، اما توانایی نظامی روسیه را تضعیف کرد و اعتماد به برتری فناوریانه و اطلاعاتی آن را کاهش داد. عملیات تار عنکبوت، پرتست‌ی روسیه را در برابر ناتو هشدار داد و تنش‌ها بین مسکو و اروپا، به‌ویژه بریتانیا را که متهم به حمایت از عملیات است، افزایش داد.

## بین‌الملل INTERNATIONAL



احمد ترابی

حقوق‌دان بین‌الملل

در ۲۸ ماه مه ۲۰۲۵، دادگاه فدرال تجارت بین‌الملل ایالات متحده (U.S. Court of International Trade) در پرونده‌ای با عنوان V.O.S. Selections, Inc. v. United States حکم داد که دولت ترامپ با استناد به «قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی The International Emergency Economic Powers Act (IEEPA) مصوب ۱۹۷۷ از اختیارات قانونی خود فراتر رفته و تعرفه‌های گسترده دولتش را به‌طور غیرقانونی اعمال کرده است. هیئت سه‌نفره این دادگاه رای دادند که اولاً- IEEPA به رئیس‌جمهور اجازه نمی‌دهد تعرفه‌های گسترده و جهانی را بدون مجوز صریح کنگره اعمال کند ثانیاً- تعرفه‌های اعمال شده تحت عنوان «روز آزادی» (Liberation Day) و سایر تعرفه‌هایی که به بهانه مقابله با قاچاق مواد مخدر و مهاجرت غیرقانونی وضع شده بودند، خارج از محدوده اختیارات اجرایی هستند ثالثاً- اگر IEEPA چنین اختیاراتی را به رئیس‌جمهور می‌داد، این قانون به دلیل نقض اصل تفکیک قوا و واگذاری بیش از حد اختیارات قانون‌گذاری به قوه مجریه، مغایر با قانون اساسی محسوب می‌شد. این حکم برای کسب‌وکارهای کوچک واردکننده مانند شرکت V.O.S. Selections، که به دلیل افزایش تعرفه‌ها با افزایش شدید هزینه‌ها مواجه شده‌بودند، پیروزی بزرگی بود. اما یک روز پس از صدور این حکم، در ۲۹ ماه می دادگاه تجدیدنظر فدرال U.S. Court of Appeals for the Federal Circuit به درخواست وزارت دادگستری، اجرای حکم دادگاه بدوی را به‌طور موقت متوقف کرد. این تصمیم به دولت ترامپ اجازه داد تا تعرفه‌های مورد مناقشه را تا زمان بررسی کامل پرونده در دادگاه تجدیدنظر حفظ کند. دادگاه تجدیدنظر از طرفین خواست تا لایوح حقوقی خود را ارائه دهند؛ مهلت پاسخ‌گویی شش‌کلیان تا ۵ ژوئن و مهلت پاسخ دولت تا ۸ ژوئن تعیین شده است.

این پرونده هم‌اکنون به یکی از مهم‌ترین آزمون‌ها برای تعیین حدود اختیارات رئیس‌جمهور در سیاست‌گذاری تجاری تبدیل شده است و در صورت تأیید حکم دادگاه بدوی توسط دادگاه تجدیدنظر، ممکن است بسیاری از تعرفه‌های اعمال شده توسط دولت ترامپ لغو شوند و اختیارات اجرایی وی در این حوزه محدود گردد. همچنین در واکنش به این تحولات، کنگره ایالات متحده در حال بررسی قانون بازنگری تجارت Trade Review Act of ۲۰۲۵ است که هدف آن بازگرداندن کنترل بیشتر بر سیاست‌های تعرفه‌ای به قوه مقننه و محدود کردن اختیارات رئیس‌جمهور در اعمال تعرفه‌های جدید است.

با توجه به تأثیرات بالقوه و بالفعل این رای هم در حوزه حقوق تجارت بین‌الملل و هم در حوزه حقوق اساسی آمریکا، این مقاله به بررسی چگونگی صدور این رای و مسائل حقوقی پیرامون آن و تأثیرات اقتصادی و روند قانونی این تعرفه‌ها بر امور تجاری آمریکا می‌پردازد.

### ▼ دادگاه فدرال اختصاصی تجارت بین‌الملل آمریکا

دادگاه فدرال تجارت بین‌الملل ایالات متحده (U.S. Court of International Trade - CIT) یکی از دادگاه‌های ویژه و اختصاصی در نظام قضایی فدرال آمریکاست که وظیفه اصلی آن رسیدگی به دعاوی مرتبط با تجارت بین‌المللی، تعرفه‌ها، و گمرک است. این دادگاه فدرال اختصاصی در سال ۱۹۸۰ ایجاد شده و مبنای قانونی تشکیل آن، قانون دادگاه تجارت بین‌الملل Customs Courts Act می‌باشد و مقر اصلی دادگاه در شهر نیویورک است. این دادگاه دارای صلاحیت کشوری Nation wide است و در صورت لزوم می‌تواند جلساتی را در شهرهای دیگر، یا حتی خارج از آمریکا مثلاً در کشورهای عضو توافق‌نامه‌های تجاری خاص برگزار کند. به دلیل پیچیدگی‌های موضوع تجارت بین‌الملل این دادگاه متشکل از ۹ قاضی فدرال است که این قضات تخصص بالایی در امور بازرگانی و اقتصادی دارند و برای دوره نامحدود بر طبق ماده ۱۱ قانون اساسی توسط رئیس‌جمهور و با تأیید مجلس سنا منصوب می‌شوند. CIT هم صلاحیت موضوعی دارد و هم صلاحیت‌شخصی. در حوزه صلاحیت موضوعی CIT صلاحیت رسیدگی به دعاوی مربوط به تعرفه‌ها، تصمیمات گمرکی (Customs Duties)، مسائل مرتبط با قوانین ضددامپینگ و جبران بارانه‌ها Antidumping & Countervailing Duties، تحریم‌های تجاری و مقررات OFAC، نقض معاهدات تجاری بین‌المللی آمریکا با سایر کشورها را دارد. در حوزه صلاحیت شخصی هم CIT صلاحیت رسیدگی به شکایات علیه دولت فدرال آمریکا به‌ویژه وزارت خزانه‌داری آمریکا، گمرک، دفتر نمایندگی تجاری آمریکا USTR، و آژانس‌های مرتبط با تجارت را دارد. جلسات دادگاه فدرال تجارت بین‌الملل عمدتاً به صورت غیر هیئت منصفه‌ای Non-jury است و معمولاً توسط یک قاضی رسیدگی می‌شود، مگر در موارد پیچیده که ممکن است به یک هیئت سه‌نفره ارجاع شود. تمام تصمیمات دادگاه CIT قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر حوزه فدرال U.S. Court of Appeals for the Federal Circuit در واشنگتن دی‌سی است و البته و در نهایت، احکام این دادگاه می‌تواند به دیوان عالی ایالات متحده نیز کشیده‌شود.

ملاحظه می‌شود که این دادگاه نه‌تنها در حوزه تجارت آمریکا مورد استفاده قرار می‌گیرد بلکه راهی برای استفاده کشورهای دیگر است که بتوانند چالش‌های قانونی روابط تجاری خودشان



عکس: Getty Images

# حد و مرز اخت

## بررسی حقوقی شکایت از اعمال تعرفه تج

## نکته حقوق‌دان

را با آمریکا در سیستم قضایی آمریکا حل و فصل کنند. اگر بخواهم فلسفه اصلی تشکیل چنین دادگاهی را در سیستم حقوقی آمریکا عنوان کنیم، در یک جمله حفاظت و حمایت از سرمایه‌داری و سرمایه‌گذاری در آمریکاست که هر سرمایه‌گذاری بتواند در حوزه بالادست تصمیمات مهم دولتی را نیز به چالش حقوقی بکشد و می‌توان گفت که وجود چنین دادگاهی در هر کشوری می‌تواند به حوزه تجارت خارجی آن کشور کمک کند و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را به وجود عدالت تجاری در آن کشور مطمئن سازد. به هر روی دادگاه فدرال تجارت بین‌الملل در ایالات متحده از زمان تأسیس خود، به دعاوی بسیار مهم و تأثیرگذاری در حوزه تجارت بین‌الملل رسیدگی کرده است. این پرونده‌ها گاهی تأثیر زیادی بر سیاست‌های تعرفه‌ای، روابط تجاری آمریکا، و رویه‌های اجرایی نهادهای دولتی داشته‌اند. به برخی از مهم‌ترین این پرونده‌ها اشاره می‌کنم.

### ۱ دعوی Zenith Radio Corp. v. United States (۱۹۸۲)

این پرونده یکی از نخستین پرونده‌های برجسته ضد دامپینگ در CIT دادگاه فدرال تجارت بین‌الملل بود. موضوع این دعوی بررسی مشروعیت و حدود اختیارات وزارت بازرگانی در تعیین «حدود دامپینگ» برای شرکت‌های خارجی و به‌ویژه بر واردات تلویزیون‌های ژاپنی بود. شرکت زینیت Zenith یک شرکت آمریکایی تولیدکننده تلویزیون بود. این شرکت ادعا کرد که تولیدکنندگان ژاپنی مثل Matsushita و Sony تلویزیون‌هایی را به قیمت‌هایی کمتر از هزینه واقعی تولید به آمریکا صادر می‌کردند که مصداق دامپینگ است. وزارت بازرگانی ایالات متحده در ارزیابی خود علیه برخی از صادرکنندگان ژاپنی تصمیماتی گرفت که به نظر Zenith کافی نبود و استدلال می‌کرد که وزارت بازرگانی باید علیه همه شرکت‌های ژاپنی اقدام شدیدتری می‌کرد و یافته‌ها و روش‌های محاسباتی این وزارتخانه ناقض قانون تجارت آمریکا و فرایند دادرسی منصفانه (due process) بودند اما دادگاه CIT بر ضرورت تخصص فنی نهادهای اجرایی تأکید و در نهایت به نفع وزارت بازرگانی رای داد و تأکید کرد که تصمیمات وزارت بازرگانی در این مورد قابل ابطال نیست و این نهاد اجرایی از حدود قانونی خودش تجاوز نکرده است.

### ۲ دعوی Fujitsu General Ltd. v. United States (۱۹۹۹)

اگرچه در اغلب پرونده‌ها، دادگاه تجارت بین‌الملل ایالات

متحده (U.S. Court of International Trade یا CIT به دلیل رعایت اصل احترام به تخصص نهاد اجرایی، معمولاً تصمیمات وزارت بازرگانی را تأیید می‌کند، اما در مواردی خاص که تصمیم وزارتخانه فاقد دلایل کافی، ناقض قانون، یا بر خلاف آیین دادرسی اداری (Administrative Procedure Act) بوده، دادگاه علیه دولت (و در واقع، علیه وزارت بازرگانی) رأی صادر کرده است.

در دعوی شرکت فوجیتسو علیه وزارت بازرگانی ایالات متحده با موضوع دامپینگ در صادرات سیستم‌های تهویه‌ژاپنی به آمریکا، دادگاه با این استدلال که وزارت بازرگانی در محاسبه ارزش نرمال از داده‌هایی استفاده کرده بود که دادگاه آن‌ها را بی‌پایه و فاقد شواهد کافی (substantial evidence) دانست و حکم داد که روش محاسبه فاقد شفافیت است و باید تجدیدنظر شود.

### ۳ دعوی Allegheny Ludlum Corp. v. United States (۲۰۰۲)

در دعوی دیگری در سال ۲۰۰۲ با موضوع بررسی دامپینگ در واردات فولاد از اروپا دادگاه به این نتیجه رسید که وزارتخانه در استفاده از بهترین اطلاعات در دسترس Best Information (BIA) به شیوه‌ای ناعادلانه عمل کرده است و استدلال شد که وزارت بازرگانی بدون توجه کافی به توضیحات صادرکننده، داده‌های آن را رد کرده و رویکردی غیر عادلانه اتخاذ کرده است. منظورم از بیان این موارد آن است که دادگاه اختصاصی تجارت بین‌الملل آمریکا در رسیدگی خودش رویکردی کاملاً حرفه‌ای و مطابق با موازین دادرسی و تجارت بین‌الملل داشته و گاهی به نفع نهادهای دولتی و گاهی نیز به نفع شاکیان غیر دولتی رای داده است.

### ▼ تعرفه‌های اعمال شده دولت جدید ترامپ

در دوره دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ در سال ۲۰۲۵، دولت وی مجموعه‌ای از تعرفه‌های تجاری جدید را اعمال کرده است که به‌طور قابل توجهی بر تجارت بین‌الملل تأثیر گذاشته و مباحث حقوقی گسترده‌ای را برانگیخته است. مهم‌ترین اقدامات تعرفه‌ای و مبنای قانونی آن‌ها در حوزه تجارت بین‌الملل به شرح زیر هستند:

### ۱ در فوریه ۲۰۲۵، ترامپ تعرفه‌هایی به میزان ۲۵ درصد بر تمام کالاهای وارداتی از مکزیک و کانادا (به‌جز نفت و